

۷۸۷۱-۷۸۷۲

سچالش نهادن میسر نیست این بودجه را نمایم اینجا تابعه است اینجا همچنان و پس از
۹۸۷۱، ۷۸۷۲

بزرگ علوی

تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران

۹۸۷۱-۹۸۷۲

رسانیده تا به دوین میتوانند

سلقه و خوش آن - نایوان انتسابه ۷۶-۹۸۷۲

تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران

سرمهخن برگردان ۹۸۷۲-۹۸۷۳

زندگی و کارهای بزرگ علوی

پیش سخن

درآمد

از آغاز سده بیستم تا نایان

واه انسایان توکرایی

برگردان:

سرایش در امیرحسین اکبری شالجی

نفر در پیکار با مظلوم

درایران ایلی شورت بیان ایام

دوره پیش از بخت

قطر ایلانی

قطر ایلانی

میرزا عشقی

تساهمنده بماله

فرخی بزدی

ایوالقاسم لاهوتی

مؤسسه انتشارات تکه

ایران

۱۳۸۶

کل

کل

سرسخن برگردانده

برخاسته از پیوه رقابنده	۱۹۱
رختر سمهه خیش	۴۸۱
هالشیخ قالتسیب نیمه تلخیه	۷۸۱
ریما شیخ نومن رلهه لایه	۰۱۶
جهنمه رلهه ل	۲۱۲
نخیل رلهن تسالنه	۷۹۷
هالشیخ نالسان	۷۶۷
ریما شهمه	۱۷۷
نالسانه	
فهرست «علیبتسان رهنمی شیخ	۴۸۲
این پاکیل میرگدست ۵۵ کار و پیش قات اویله ی خود این بود از زمان	
سرسخن برگردانده ۵	
زندگی و کارهای بزرگ علوی ۱۰	
پیش سخن ۲۴	
درآمد ۲۷	
از آغاز سده بیست تا پایان انقلاب ۵۱	
راه گشایان نوگرایی ۵۱	
سرايش در خدمت پیکار سیاسی ۷۴	
نفر در پیکار با مطلق گرایی ۱۱۵	
دوره پیش از جنگ و جنگ (۱۹۱۲-۱۹۲۰) ۱۳۹	
سرايش و نمایندگان آن ۱۵۱	
میرزا عشقی ۱۵۲	
فرخی یزدی ۱۶۳	
ابوالقاسم لاھوتی ۱۷۴	
ابراهیم پورداوود ۱۸۳	
یحیی دولت آبادی ۱۸۶	
نفر. ۱۸۹	

۱۹۱	محمدباقی میرزا خسروی
۱۹۳	شیخ موسی نشی
۱۹۷	دیکتاتوری بیست ساله رضاشاه
۲۱۰	دیدگاه‌های نوین فرایش ادبی
۲۱۶	کارهای منثور
۲۴۷	مهداستان‌های تاریخی
۲۵۳	دانستان کوتاه
۲۷۱	پژوهش ادبی
۲۸۶	فرهنگستان
۲۹۹	سرایش در زمان استبداد
۳۲۵	جهش جنبش ملی
۳۳۵	نحو پس از جنگ و گرایش‌های آن
۳۴۳	راه کشايان سرایش نوین
۳۶۹	نامنامه
۳۸۱	فهرست سرچشمه‌ها
۱۴	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۱۵	رویایی‌های نویسنده‌ها
۹۷	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۵۱۱	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۹۷۷	(۱۹۱۳-۱۹۲۱) سنتیه سکونت ارشیو فرم
۱۵۸	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۷۶۱	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۷۷۱	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۷۷۷	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۷۸۹	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۷۹۷	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۷۹۹	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۸۰۷	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۸۱۷	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ
۸۶۱	رسانیده‌ای ای پا لـ عـ قـ تـ بـ قـ سـ نـ لـ آـ

نگارش بسیار کامیاب دانست، چراکه به پایگاه اجتماعی بلندتری رسید و در زندگی شخصی خود پیشرفت کرد. همچنین کتاب سالها مورد بهره‌گیری دانشجویان و استادان ایرانشناسی در برلن خاوری بود و از آن در پژوهش‌های پرارزش جهانی که در زمینه ادبیات ایران انجام پذیرفته، برای نمونه «تاریخ ادبیات ایران» ریکا هم بهره‌گیری گشت. اما از آن سوی با جامه آلمانی پوشیدن کتاب، خود مردم آفریننده تار و پودش، آن را در این جامه بیگانه نشناختند و سالها از آن نایبره‌مند ماندند. بی‌گمان بهانه‌ای برای ماندن این کار پرارزش در جامه بیگانه، هستی نداشت و روشن است که با برگردان آن به پارسی فرهنگ دوستان پسیاری از درون مایه‌اش برخوردار تواند گشت.

یکی از خردۀای نه چندان خردی که باید برکتاب گرفت آن است که نگرش نویسنده بر ادبیات کهن چیزی نزدیک به هیچ است و روشن نساخته که این ادبیات نوین بروی کدام ادبیات کهنی ایستاده و بیشتر برآن بوده که پسروی آن از رویدادهای سیاسی و اجتماعی را در نگریگیرد. شاید کسانی بگویند که وی ویژه‌شناس و از آفرینندگان ادبیات نوین بوده و بر ادبیات کهن چیزی چندانی نداشته، اما نوشتارهای شمارمندی که از وی در «فرهنگنامه ادبیات کنیدلر» بیرون آمده، داشش وی بر ادبیات کهن را پدیدار می‌سازد.

نویسنده چنانکه باید بر زبان ارزش ویژه‌ای نهاده و بارها یاد کرده که زبان ناکارآمد پیش از بنگشت (انقلاب) مشروطیت ناچار خود را ماده ساخت و از کاربرد پیش از اندازه واژگان و جمله‌های تازی پرهیزید. اکنون پس از گذشت چند دهه از زمان بر زمین گذاشته شدن خامه این کتاب باید گفت ساده‌پسندی پیش از اندازه و جنبش‌گریزی خود یک درد شده و بیشتر

خوانندگان پارسی زبان به دشواری می‌پذیرند که واژه‌ای تازه را بخوانند و اگر در سرتاسر یک برگ روزنامه با یک واژه تازه هم برخورد کنند، زود انگشت شکفتی بر آن می‌نهند و از رنج به یاد آوردن فراموش شده‌ها شانه تهی می‌کنند. به سخن دیگر ایرانیان که پیش از بنگشت مشروطیت پارسی پیش از اندازه دشوار را می‌پسندیدند، اکنون پارسی پیش از اندازه ساده را می‌پسندند و در روزگاری که همه چیز دم به دم دگرگون می‌شود، در پی دگرگونی ایزار بیان همه دگرگونی‌ها نیستند. آنچه آن زمان را با هم اکنون پیوند می‌دهد «جنبش‌گریزی زبانی» است. راه بازیابی و گسترش زبان را نباید بست و باید آن را نیز همانند دیگر پدیده‌های فرهنگی پیشرفت‌پذیر و دگرگون‌شونده دانست. فرهنگ‌ها، متن‌ها و سروده‌های کهن، کویش‌های اینجا و آنجای سرزمین‌های پارسی زبان و زبان‌های ایرانی میانه هر کدام دارای اینبوهی از واژگان خوش‌آهنج و رسا و اصیل پارسی و ایرانی است که امروز هم زنده کردن و به کاربردنشان به توان زبان می‌افزاید و آن را می‌آراید و می‌پیراید. پارهای از این گونه واژگان در این برگردان به کار کشیده شده. این کار همچون پیشنهاد کاربرد دوباره آنها در پارسی رسمی و نوشتاری یعنی پیشنهاد بکار بردن از کارافتاده‌ها، زنده کردن مرده‌ها و به یاد آوردن فراموش شده‌ها برای پاسخ به نیازهای امروزی زبان پارسی در رویارویی با جهان پر شتاب است.

اما این که کتاب به آلمانی نگارش یافته تنها از این نگاه زیان‌بار نبوده که سال‌ها از چشم‌رس آفرینندگان درون‌مایه‌اش دور مانده. چنان که می‌دانیم ادبیات در پیوند تنگاتنگی با احساس و سلیقه و عاطفه و تا اندازه زیادی وابسته به آنهاست و البته به برخی شاخه‌های دیگر فرهنگ هم نایوس است. از اینجاست که کامیابی بازگویی سوگذشت یک ادبیات به یک

گرفته‌اند. برخی از ایران‌شناسان به پداشت از او گفته‌اند که علوی بهروی در همه جای کتاب هست و سراسر آن آکنده از اندیشه‌ها و باورهای اوست. با این همه هنگامی که می‌گوید از همه نویسنده‌گانی که در پیشرفت و دگرگونی ادبیات نوین ایران کارگر اتفاده‌اند، سخن گفته، گفارش چندان درست نیست، زیرا سریکی از سرآمدان آنان یعنی خودش خاموشی گزیده. فروتنی و خودشکنی او کار را به چایی رسانده که در تاریخ ادبیات نوین ایران نامی از خود نبرد و به یاد حتی یکی از نوشه‌های خود هم نپردازد. خود پیداست که این کار ریشه در فرهنگ کهن ایران زمین دارد. ارزش این کار بویژه زمانی دانسته می‌شود که درنگریم این کتاب در کشوری نوشته شده که در آن فروتنی نه تنها خوب نیست که به ویژگی‌های منفی اخلاقی هم پیوند داده می‌شود و چیزی در رده ناتوانی بیان، دروغ و نیرنگ، کمرویی و خود ناباوری شمرده می‌گردد. از اینجا نیز هویتا می‌گردد که با آن که بزرگ علوی بخش بزرگی از زندگیش را در آلمان سپری کرده، فرهنگ ایرانی را بسیار ژرف در جان خود نگاه داشته بوده است. بهروی این خودشکنی گونه‌ای شکاف را در تاریخ ادبیاتی که نوشته پدیدار ساخته که من ناچار باید به گونه‌ای آن را پر می‌کرم، هر چند می‌دانستم این کار را همانند نویسنده و در پایه او و به روش اوی به انجام توانم رسانید، بر آن شدم دست کم زندگی نامه‌ای از اوی به دست دهم. اما آگاهی یافتن از زندگی کسی که چنان فروتن بوده و از خود سخن نمی‌گفته هم چندان ساده نبود. بیرون آمدن «حاطرات بزرگ علوی» پس از مرگش به من دل این کار را داد و بیشتر از همان کتاب زندگی نامه زیرین را بیرون آهیخته‌ام. بیشتر آنچه که در اینجا آورده‌ام سخنان و برداشت‌ها و دیدگاه‌های خودش، چنانکه یک سال پیش از مرگش در حاطراتش گفته می‌باشد.

۱. متأله‌الله: ترسیع، ۲۷۲-۲۷۳. ۲. حاطرات، بزرگ ۷۵-۷۶. ۳. بزرگ، ۶۱.

زبان دیگر به نزدیکی احساس و سلیقه و عاطفه دو مزدم که در زیانشان پدیدار می‌شود وابسته است. با این که تبلیغات فاشیست‌ها، آلمانی‌ها را آرایی می‌دانسته که شوریختانه این اندیشه در ایرانیان نیز کارگر افتاده، میان مردم ایران و آلمان از دیدگاه‌های یادشده همانندی به چشم نمی‌خورد. پارسی، زبان سراایش و عاطفه است و آلمانی زبان ریاضیات و فلسفه. بسیاری از آنچه که در آینه ادبیات پارسی تاییده به آلمانی برگردان درستی ندارد و اگر هم به گونه‌ای برگردان شود با فرمول‌های ریاضیاتی و خشک هیچ آلمانی جو در درنمی‌آید. بیهوده نیست که نویسنده در متن کتاب چند بار از برگردان سراایش‌های پارسی که دلچسب و یادگردانی می‌دانسته پرهیزیده و یادآور شده برگردان آنها به آلمانی کار بجایی نیست. یاد چند جا از یک نویسنده و کامیابیش و ریشه‌های آن یاد کرده و سپس گفته که هر چند این یا آن دلیل از نگاه آلمانی‌ها دلیل منطقی و بستنده کامیابی یک کار ادبی نباشد، در ایران چنین هست. ناچار نویسنده با هستی چیرگی هنگفت خود بر هر دو زبان پارسی و آلمانی، بخشی از گفتنه‌های خود را فروخورده، چون به بخوبی می‌دانسته که به زبان آلمانی بازگفته نمی‌شود و اگر هم برگردانی معنوی شود باز هم آن احساس را در خواننده پدید نخواهد آورد. اگر وی این کتاب را به پارسی نگاشته بود، هر آینه از شیفتگی که جستار بنیادین سراایش امت بسیار بیشتر سخن می‌گفت، اما روشی است که در بازگویی و نمایش برداشت و احساس ایرانیان در این زمینه به کسانی که از آن برداشت بسیار دگرگونه‌ای دارند، ناچار کوتاه آمده است.

این که نویسنده کوشیده از خود چیزی نگوید و ایدون نارسانی و کاستی در کار خود پدید آورده، گریا تنها خردمندی است که تاکنون برکارش